

## در باره «المعجم المفهرس»

با طلوع مبارک خورشید اسلام در افق تاریخ جاهلیت عرب، انسان در پهنه خاک، میلادی دوباره یافت. در آغاز اوج‌گیری این جنبش عظیم، ایمان آورندگان به آیین نو، چه در سرزمین حجاز و چه در دیگر نواحی مفتوحه ایران و روم و مصر، زندگی به شیوه شریعت اسلام را نمی‌دانستند و زبان آن را در نمی‌یافتند. این کلام تازه برای عرب زبانان طنینی داشت که تا آن زمان به آن آشنایی نداشتند چه رسد به مردم دیگر مناطق که زبان عربی نمی‌دانستند. برای آموختن دقایق کلام وحی با آن فصاحت و بلاغت اعجاز آمیزش، ضرورت داشت آموزگاران معتمد و هادیان برگزیده‌ای که به منبع وحی اتصال داشتند و علم خود را از سر چشمه لایزال الهی دریافت می‌کردند، پیروان و گروندگان خود را در راه درک ظرافتهای کلام الهی یاری دهند، زیرا در تفسیر و تعبیر مفاهیم ظریف و دقیق قرآنی نهایت احتیاط شرط بوده است و گاه اراده معنایی نادرست از یک کلمه و تعبیری نامناسب، منشأ خطاهای عظیم واقع می‌شده و گروهی را به ضلالت می‌افکنده است، همچنانکه در پیدایش فرق و مذاهب گوناگون اسلامی در قرون آغازین، می‌بینیم که غالباً آراء شخصی و تفسیرهای مختلف، منشأ اختلاف یا شدت یافتن آن می‌گردیده است.

بنابراین، آگاهی بر حقایق شریعت مبین و پاسخ به مسائل بی سابقه، تمیز حلال از حرام، تشخیص پاک از پلید، گشودن غوامض حقوقی و قضایی، خلاصه مجموعه اطلاعاتی که مقتضای زیستن در جامعه اسلامی بود، بدون راهنماییها و روشنگریهایی در این زمینه میسر نمی گشت.

این رهنمودهای بسیار پراهمیت و لازم در زمان حیات پیر برکت حضرت رسول اکرم (ص)، غالباً از قول و فعل و تقریر آن حضرت به دست می آمد و سیره و سنت پیامبر به مسلمانان کمک می کرد تا به معانی درست کلمات مندرج در شریعت مطهر پی ببرند. پس از غروب آفتاب نبوت، اهل بیت پیامبر و اصحاب و یاران رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، این مهم را در عهده گرفتند و تعالیم پیامبر (ص) را در قالب احادیث و سنن به نسلهای پس از خود انتقال دادند.

از آنجا که یکی از وظایف خطیر شارع کبیر اسلام و پیشوایان پس از وی صیانت آیات قرآن کریم از تحریف و تفسیرهای آگاهانه و مغرضانه از سویی و لغزشهای نا آگاهانه از دیگر سو بود، از همان ابتدا، رأی و نظر پیغامبر عظیم الشان و ائمه معصومین (ع) و روایات صحابه خاص رسول (ص) که با کمترین فاصله از انفاس قدسی رسول اکرم (ص) برخوردار شده بودند و دیگر راویان معتبر حدیث، به عنوان ملاک و معیار صحت تفسیر قرآن و دستور العمل زندگی بر پایه موازین شرعی پذیرفته گشت و مسلمین درباره اصول ایمانی و اعتقادی شریعت محمدی و چگونگی انجام عبادات و ادای فرایض و جزئیات امور دینی، از این رهبران و پیشوایان پرسش می کردند و آنان نیز مطابق با اصول و مبانی شریعت و با اتکا به علم خاص امامت که ایشان را بالوراثه بود، به سئوالات آنان پاسخ می دادند. این پرسشها و پاسخهای قولی و فعلی، منشأ و مأخذ احادیث اسلامی شد که پس از کتاب آسمانی، معتبرترین و مستندترین دستور العمل زندگی مسلمانان است.

نقل احادیث، ابتدا به صورت شفاهی بود و این امر، برای تحریف و وضع و جعل و اعمال غرض، میدان فراخی می گشود و کسانی بر مبنای اعتقاد و اندیشه خویش احادیثی به پیامبر و صحابه و ائمه شیعه نسبت می داده اند. تفرق و انشعاب در

اصول و فروع عقاید دینی و پیدایش مذاهب و فرق گوناگون نیز باعث گسترده شدن بیشتر دامنه جعل حدیث و تداول احادیث مجعول گردید. افزایش این اخبار ناصحیح و اختلاط آنها با روایات صحیح، موجب می شد که کار تمیز احادیث صحیح از سقیم بر عامه مسلمانان که می خواستند به کلام پیشوایان دینی خویش تمسک جویند، دشوار گردد. برای جلوگیری از این اغتشاش در امر روایت و نیز به منظور تشخیص احادیث صحیح و مرسل و منقطع و... از یکدیگر و شناخت سلسله اسناد حدیث، علوم گوناگونی درباره حدیث پدید آمد که از جمله آنها علم اُسَانیِد، درایت حدیث، علم رجال و روات حدیث است. همچنین برای حفظ احادیث از نابودی و دخل و تصرفهای ناروا در آنها، در نیمه اول قرن دوم هجری گروهی از علمای اسلامی به ضبط و گردآوری احادیث پرداختند که العلم صید و الکتابه قید. حاصل کوشش آنان کتب معتبر احادیث اسلامی است که مهمترین آنها کتابهای ششگانه اهل سنت است که به «صحاح سته» معروف است و کتابهای چهارگانه اهل تشیع که به نام «کتب اربعه» شناخته می شود. تألیف و تدوین کتب اربعه احادیث شیعه، که از منابع و مأخذ عمده و اصلی احادیث شیعه محسوب می شود، در دو قرن چهارم و پنجم اسلامی صورت گرفته است و به قرار زیر است:

۱- الاصول من الکافی و الفروع و الروضة (۸ مجلد)، تألیف ثقة الإسلام، ابوجعفر، محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی، متوفی در ۳۲۸ یا ۳۲۹ هجری قمری.

۲- تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة (۱۰ مجلد)، تألیف شیخ الطائفة، ابوجعفر، محمد بن الحسن الطوسی، متوفی در ۴۶۰ هجری قمری.

۳- من لایحضره الفقیه (۴ مجلد)، تألیف شیخ صدوق، ابوجعفر، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، متوفی در ۳۸۱ هجری قمری.

۴- الاستبصار فیما اختلف من الاخبار (۴ جلد)، تألیف شیخ الطائفة، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی، متوفی در ۴۶۰ هجری قمری.

هر یک از کتب مذکور فصل بندی و تبویب موضوعی جداگانه ای دارد و دستیابی به اصل احادیث و مآخذ آنها مستلزم صرف وقت فراوان است، چنانچه اگر جوینده ای پاره ای از حدیثی را در دست داشته باشد و بخواهد صورت کامل حدیث و مآخذ یا مآخذ آن را در کتب اربعه بیابد، بسا که حدیث را در بابی بیابد که به هیچ وجه مظان آن نبوده است. فی المثل اگر به نظر وی رسد که حدیث در باب ارث وارد شده، چون به آن باب رجوع کند حدیث را نیابد و مثلاً در باب زکاة بدان برخورد کند، یعنی از صورت ناقص یک حدیث نمی توان موضوع حدیث و باب آن را در کتاب حدس زد. از سوی دیگر، همان باب مورد تفحص نیز در چهار کتاب مکرر شده است و بر فرض اگر مآخذ حدیث مورد نظر پس از ساعتها یا روزها صرف وقت به دست آید، دستیابی به احادیث مشابه در آن موضوع براحتی میسر نیست. محصل کلام آنکه برای زیادت فایده و بهتر و راحت تر استفاده کردن از ۲۶ جلد کتاب که دربرگیرنده ده ها هزار حدیث است، به یک فهرست کامل و دقیق، که به شیوه علمی فراهم شده باشد شدیداً نیاز هست تا بتوان در کمترین زمان به بیشترین مآخذ حدیث در یک موضوع دست یافت. با کمال تأسف این مهم طی ده قرن به بونه نسیان افتاده بود. این گونه فهرستها، که با ویژگیها و روشهای گوناگون تهیه می شود، «معجم المفهرس» نامیده می شود.

«معجم المفهرس» نوعی فهرست واژه یاب یا فرهنگ واژه نما (Concordance) است که نمایانگر کاربرد مکرر واژه یعنی بسامد (Frequency) لغت در یک متن است، بدون توجه به معنی آن همراه با عبارت یا پاره عبارتی که واژه در آن به کار رفته است با ذکر مآخذ یا مآخذ واژه که بر اساس حروف الفبایی تنظیم شده است. لازم به یادآوری است که «معجم المفهرس» کتاب حدیث نیست، و بنابراین غرض از آن به هیچوجه به دست دادن صورت کامل حدیث و رهنمونی به حکمی شرعی نتواند بود، بلکه وسیله ای است برای یاری رساندن به جوینده مآخذ حدیث که همراه آن کلیه احادیث مشابه از نظر لفظ و معنی را نیز یکجا بیابد.

لزوم تهیه «معجم المفهرس» برای احادیث شیعه چندان آشکار است که نیاز

به شرح و بسط ندارد، بویژه در سرزمین اسلامی ما ایران که فرهنگ اسلامی در تمام نقاط آن، بر همه شؤون زندگی فردی، اجتماعی، علمی، ادبی و فرهنگی ما چون درختی گسترده سایه افکنده و ریشه اش در فکر و اندیشه ما ایرانیان استوار شده است. می دانیم که زبان و سنن ادبی ما با عناصر فرهنگ اسلامی چنان در آمیخته است که درک معانی و مفاهیم آثار ادبی و هنری ما، از غنایی و حماسی در هزارساله گذشته، بدون دانستن زبان عربی و آشنایی با کلام الله و احادیث اسلامی امکان پذیر نیست. ادبیات عرفانی ما خود حکایت دیگری است. کتب و رسالات عرفای سخنسرا و شعرای عارف ایرانی پارسی زبان، مشحون است از آیات و احادیث و اخبار و کلمات ینابیع حکمت اسلامی. و پیداست برای بهتر دریافتن مفاهیم بلند عرفان اسلامی که در مطاوی این آثار درج شده، وجود منبعی که بتوان با صرف وقت اندک به مآخذ آن استشهادات دست یافت ضروری است.

اینک به اقدام و همت مجدانه سازمانی فرهنگی با صرف هزینه ای هنگفت، و پشتکار پژوهشگرانی متعهد، و نیز با توجه و علاقمندی فرهنگمردان کشور که پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، عرصه پژوهشهای علمی را از اغراض سیاسی پاک یافته اند، این مهم به انجام رسیده است. از سال ۱۳۶۰، گروهی از پژوهشگران «مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی» انجام این کار مشترک علمی را وجهه همت خود قرار دادند و تاکنون مجدانه و دلسوزانه به تألیف و تدوین این فهرست عظیم اشتغال ورزیده اند.

طرح تهیه المعجم المفهرس لالفاظ الاحادیث عن الکتب الاربعه پس از ارائه و تصویب در شورای «مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی»، به مرحله عمل نزدیک شد. پژوهشگرانی که به این کار خطیر دست یاخته اند هیچگاه نمی اندیشیده اند که در این کار مبتکر بوده اند، اما اگر مدعی شوند که در کار تهیه این گونه معاجم جامعترین روشها را ارائه داده اند مبالغه نکرده اند. تفحصی استعجالی در معاجم موجود، که مهمترین آنها المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی است و براساس کتب ششگانه احادیث اهل سنت (صحاح سته) تدوین شده است، بخوبی

می‌نمایاند که مبنای آنان در تنظیم فهرست احادیث، موضوعات حدیث و کلماتی بوده است که از نظر مؤلفان آن معجم موضوع حدیث به شمار می‌رفته است لذا از ضبط بسیاری از کلمات که در حدیث مدخلیت و موضوعیت نداشته خودداری ورزیده‌اند و به همین سبب پیدا کردن حدیث در این معجم کاری دشوار است.

کتاب دیگر در این زمینه مفتاح الکتب الاربعه تألیف محمود بن مهدی موسوی دهرسخی اصفهانی است. در این فهرست حدیث را یا از روی نام راوی آن و یا از طریق سه کلمه نخست آن و یا بر حسب موضوع آن باید جست. اشکال این روش اینست که اگر راوی حدیث بر جوینده مجهول باشد و با موضوع مورد تفحص را بخوبی نداند، مأخذ حدیث را نمی‌تواند بیابد و چه بسا صورت حدیث چنان باشد که به چند موضوع مربوط بنماید و نیز ممکن است سه کلمه اول حدیث را در دست نداشته باشد، در همه این موارد پیدا کردن مأخذ حدیث از معجم مزبور غیر ممکن خواهد بود.

کتاب دیگری که در سالهای اخیر انتشار یافته است المعجم المفهرس کتاب کافی تألیف علیرضا برازش است. این معجم نیز با همه ارزشمندی، چون یک کتاب از کتابهای چهارگانه را فهرست کرده است و فقط ۸ مجلد از ۲۶ مجلد از کتب اربعه را شامل می‌گردد، در واقع کوششی است ناتمام و نیاز جوینده حدیث را به طور کامل برآورده نمی‌سازد.

با توجه به نکاتی که ذکر شد و نیز گستردگی مفهوم حدیث و احتمال استنباطات گونه‌گون از واژگان یک حدیث، مؤلفان «معجم المفهرس کتب اربعه شیعه» بر آن شدند که همه کلمات موجود در احادیث را به عنوان کلید عرضه کنند تا به نقایص دیگر معاجم، که موضوع حدیث را محور کار خود قرار داده‌اند، گرفتار نیایند. به سخن دیگر، این معجم بر مبنای «کلمه محوری» تنظیم شده است. از آنجا که پاره‌ای کلمات به علت تکرار فراوان یا نداشتن بار معنایی مستقل راه‌گشای یافتن حدیث نتواند بود، این دسته کلمات حذف شده و فهرست آنها در مقدمه کتاب ذکر شده است.

نکته مهمی که در تألیف آثار بزرگی چون هر نوع معجم المفهرس باید بدان توجه داشت این است که تألیف چنین آثار تحقیقی عظیم در توانایی یک یا دو تن نیست، و لازم است توسط سازمانهای فرهنگی و علمی با پشتوانه وسیع مالی و به وسیله گروهی از پژوهشگران و دانشمندان و در زمانی طولانی به انجام رسد. دکتر ونسینک (A.J. Wensinck)، دانشمند اروپایی و پایه‌گذار تألیف المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی در مقدمه کتاب می‌گوید: «این کار در آغاز اقدامی مخاطره‌آمیز دانسته شد»، این کار مخاطره‌آمیز حدود نیم قرن به طول انجامید و عمر مؤلف آن وفا نکرد و کتاب پس از مرگ وی با ویرایشی نامطمئن به چاپ رسید. دکتر ونسینک خود تنها صحت جلد اول را متعهد گردیده و در مقدمه آن گفته است: «من صحت سایر مجلدات این کتاب را ضمانت نمی‌کنم و درباره آنها مسؤولیتی بر عهده من نیست». این سخنان را کسی گفته که از پشتیبانی و کمک مالی سازمانهای عظیم فرهنگی، شامل چند آکادمی سلطنتی، بنیادهای پژوهشی و علمی و سازمان فرهنگی یونسکو، برخوردار بوده است.

اکنون «معجم المفهرس کتب اربعه شیعه»، همچنانکه پیشتر یاد شد، با همت پژوهشگران اندیشمند و متعهد «مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی» که سالهاست این کار را بجد ایستاده‌اند و در سایه علاقمندی ایثارگران ریاست محترم و دانشمندان آن که همواره مشوق و یار غمخوار دست‌اندرکاران تألیف این کتاب بوده‌اند و پیوسته آنان را از راهنماییهای خردمندانه و دلسوزانه خویش برخوردار می‌ساخته‌اند، صورت طبع پذیرفته است. بر مؤلفان سپاسگراری از ایشان فرض عین است، چه اگر توفیق الهی دستگیر نمی‌گشت و مساعدتهای بی‌شائبه ریاست مؤسسه یاریگر این گروه اندک نبود، کاری چنین سترگ در زمانی اندک صورت نمی‌پذیرفت. امید که جمهور دانشمندان علوم اسلامی و محققان داخلی و خارجی خطاهای موجود در کتاب را به دیده اغماض و بزرگواری بنگرند و گروه «معجم المفهرس کتب اربعه» را که نگارنده این سطور نیز از افتخار همکاری مداوم با آن نصیبی ناچیز داشته است، از ارشادات و افاضات خویش بهره‌مند سازند.